

هستیم. با آثار برجسته‌ی رابرت کاکس^۱ توسعه‌ی مفاهیم گرامشی به‌وسیله‌ی اندیشمندان روابط بین‌المللی آغاز شد. این اندیشمندان به نظریه‌پردازان «نوگرامشی»^۲ یا مکتب ایتالیا شهرت یافتند. با توجه به این‌که تحلیل نوگرامشی‌ها تعامل نیروهای سیاسی و اقتصادی را به سطح بین‌المللی بسط می‌دهد، می‌توانیم بگوییم که در چارچوب نظریه‌های اقتصادی سیاسی بین‌الملل^۳ جای می‌گیرند و از سوی دیگر به علت برخورداری از نگرش انتقادی در تحلیل پدیده‌های متعارف این حوزه‌ی مطالعاتی، می‌توانیم آن‌ها در گروه اقتصادی سیاسی انتقادی^۴ جای بدهیم.

کاکس به‌عنوان توسعه‌دهنده این اندیشه در روابط بین‌الملل، به دنبال رد اندیشه‌های مسلط دولت-محور و کاربردهای عمیقاً محافظه‌کارانه آن بود. وی برای ترسیم مفهومی فرآیند-محور و رابطه‌ای از ماتریالیسم تاریخی، از یک‌طرف به ساخت تاریخی اشکال مختلف دولت در ارتباط میان نیروهای اجتماعی (طبقات، جنبش‌های اجتماعی و دیگر عوامل اجتماعی جمعی) و از طرف دیگر بر نظم جهانی تأکید داشت. کاکس با بذل توجه به مفهوم گرامشی از هژمونی، معتقد بود که نظام‌های قدرت می‌توانند به‌طور معناداری به موازنه‌ی نسبی اشکال رضایت‌مندی و اجباری قدرت وابسته‌اند. (Rupert, 2007, p. 41) در عصر حاضر، صورت‌بندی نیروهای اجتماعی و اساس اقتصادی، بیان ایدئولوژیک و اشکال اقتدار سیاسی آن‌ها که در تعامل با یکدیگر به‌عنوان یک بلوک تاریخی عمل می‌کنند، دچار تغییر و تحول شده است و می‌توانیم بگوییم با «اقتصاد جهانی» روبه‌رو هستیم. دو جنبه‌ی اصلی تغییر در حکمرانی در گذار از قرن بیستم به قرن بیست‌ویکم عبارت‌اند از:

۱. جهانی‌شدن اقتصاد و تأثیر آن بر حاکمیت دولت (جهانی‌شدن تولید و

سرمایه)

1. Robert Cox

2. Neo-Gramscianism

3. International Political Economy (IPE)

4. Critical Political Economy (CPE)